

حمله های نظامی را متوقف کنید

دیپلماسی جهانی برای اعلام هرچه زودتر آتش
بس فعال شود

ننگ و نفرت بر جنگ افروزان، جنایتکاران جنگی
و مدافعین حمله های نظامی

سرنگون باد حکومت های جنگ طلب و دیکتاتور

گسترده تر و مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی

جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا - اسرائیل

و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت

حکومت جنایتکار اسلامی در ایران

- تجمع اعتراضی کارگران کارخانه فولاد سیادن ابهر نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی

- اعتراض کارگران شرکت معدنی فلوراسپار نسبت به اخراج تعدادی از کارگران در آستانه
بازنشستگی، عدم پرداخت عیدی و 4 درصد بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور، تحویل ندادن لباس
و کفش کار و عملکرد منفعلانه اداره کار

- بیکاری کارگران شرکت بلبرینگ سازی تبریز بدنبال تخریب بخشی از تأسیسات و توقف فعالیت
تولیدی آن بر اثر حمله هوایی آمریکا - اسرائیل

- اخراج و بیکاری خبرنگاران، تعطیلی برخی از رسانه ها در سال جدید و عدم پرداخت حقوق
وعیدی بسیاری از خبرنگاران

- لیستی از زیرساختارها و واحدهای صنعتی و تولیدی مورد حمله های هوایی یکشنبه شب (16
فروردین) و روز دوشنبه 17 فروردین آمریکا - اسرائیل قرار گرفته

- بیدارزنی: کوتاه با کسانی که هلهله‌ی جنگ ندارند

- گزارش یونیسف: نگرانی از مشارکت کودکان در کارزارهای بسیج در ایران

- علی فهیم را هم اعدام کردند

***تجمع اعتراضی کارگران کارخانه فولاد سیادن ابهر نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی**

روزدوشنبه 17 فروردین، کارگران کارخانه فولاد سیادن ابهر برای اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی بدنبال تصمیم کارفرما مبنی بر تعطیلی کارخانه، اخراج کارگران و جلوگیری از ورودشان به این واحد تولیدی انواع میلگرد دست به تجمع زدند.



این کارگران که سابقه کار 15 تا 20 ساله در کارخانه فولاد سیادن دارند، به خبرنگار رسانه ای گفتند: کارفرمای کارخانه فولاد سیادن به بهانه انباشت بدهی ها به اداره برق و گاز قصد تعطیلی کارخانه را دارد. وی اخیرا با چسباندن نامه تعطیلی موقت کارخانه و تعدیل کارگران، مانع از ورود نیروها به کارخانه شده و از کارگران در خواست کرده با مراجعه به واحد اداری نامه عدم نیاز خود را برای دریافت مقرری یمه بیکاری دریافت کنند .

کارگران فولاد سیادن ابهر با دو ماه حقوق معوقه افزودند: این کارخانه هیچ مشکل خاصی در زمینه تولید و فروش محصولات خود ندارد. در حال حاضر اگر مشکل اتصال برق کارخانه حل شود ما امکان تولید انواع میلگرد را حتی در سه شیفت داریم .

کارگران این واحد تولیدی در ادامه تاکید کردند: با تعطیلی کارخانه هیچ تضمینی برای اشتغال دوباره آنها وجود ندارد. در عین حال تعطیلی کارگران مشاغل تولیدی و صنعتی که کمک اقتصادی دولت

هستند، کار درستی نیست؛ علاوه بر این، پرداخت مقرری بیمه بیکاری به کارگران این کارخانه‌ها هزینه مضاعفی است برای دولت و صندوق بیمه بیکاری .

کارگران همچنین اظهار کردند: فولاد سیادن به عنوان یکی از بزرگترین مجموعه‌های تولیدی کشور در زمینه تولید انواع میلگرد است؛ این کارخانه در حال حاضر حدود 280 کارگر دارد که البته امنیت شغلی آن‌ها به خطر افتاده است.

***اعتراض کارگران شرکت معدنی فلوراسپار نسبت به اخراج تعدادی از کارگران در آستانه بازنشستگی، عدم پرداخت عیدی و 4 درصد بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور، تحویل ندادن لباس و کفش کار و عملکرد منفعلانه اداره کار**

روزدوشنبه 17 فروردین، کارگران شرکت معدنی فلوراسپار اعتراضشان را نسبت به اخراج تعدادی از کارگران در آستانه بازنشستگی، عدم پرداخت عیدی و 4 درصد بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور، تحویل ندادن لباس و کفش کار و عملکرد منفعلانه اداره کار، ابراز کردند.

برپایه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 17 فروردین، شرکت معدنی فلوراسپار 20 تا 25 کارگر در آستانه بازنشستگی را از کار اخراج کرد. این کارگران با توجه به سن حدود 40 تا 50 سال، جذب مجدد آن‌ها در سایر معادن—به‌ویژه معادن زغال‌سنگ که محدودیت سنی دارند—بسیار دشوار خواهد بود. در نتیجه، آینده شغلی و وضعیت مستمری بازنشستگی آن‌ها تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

این شرکت که در محدوده معدنی کمر مهدی طبس به استخراج ماده معدنی فلورین مشغول است، یک بدهی سنگین تحت عنوان حقوق دولتی دارد که شاید اصلاً معدن را از کار فرما بگیرند و آن را به شرکتی دیگر بدهند.

بنابراین گزارش، این‌گونه پروژه‌ها معمولاً دارای بازه زمانی مشخصی از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت هستند، برای مثال 20، 10 یا 25 سال. با این حال، علی‌رغم انجام بخشی از فعالیت‌ها، این شرکت نسبت به پرداخت حقوق دولتی که مبلغی قابل توجه برآورد می‌شود، اقدام نکرده است.

برخی از کارگران این شرکت نیز اعتراض خود را نسبت به عملکرد کارفرما ابراز کردند. آنها به عدم پرداخت عیدی بعد از گذشت 15 روز از فروردین ماه اعتراض دارند و می‌گویند این اتفاق بی‌سابقه است .

آنها ماه‌هاست که لباس کار جدید دریافت نکرده‌اند و لباس کارشان کیفیت و کارایی خود را از دست داده است. این در حالی است که کارفرما هر شش ماه موظف به دادن لباس و کفش کار است .

کارگران همچنین نگرانند که شرکت 4 درصد بازنشستگی سخت و زیان‌آور آن‌ها را پرداخت نکند و برای بازنشستگی مجبور به فروش دارایی‌های خود شوند.

آنها خواستار پرداخت این 4 درصد از سوی شرکت هستند. چراکه بیشتر برخی کارگران برای پرداخت به موقع 4 درصد بازنشستگی سخت و زیان‌آور خود مجبور به فروش طلا و زمین‌هایشان

شده‌اند و زمانی که شرکت این مبلغ را پرداخت کرده ارزش پول آنها برای خرید آنچه بیشتر فروخته‌اند بسیار کاهش پیدا کرده است.

کارگران همچنین به عملکرد اداره کار معترض هستند و می‌گویند: پی‌گیری‌ها از وزارت کار جواب نمی‌دهد.

***بیکاری کارگران شرکت بلبرینگ‌سازی تبریز بدنبال تخریب بخشی از تأسیسات و توقف فعالیت تولیدی آن بر اثر حمله هوایی آمریکا - اسرائیل**

روزدوشنبه 17 فروردین، خبر بیکاری کارگران شرکت بلبرینگ‌سازی تبریز بدنبال تخریب بخشی از تأسیسات و توقف فعالیت تولیدی آن بر اثر حمله هوایی آمریکا - اسرائیل، رسانه ای شد.

***اخراج و بیکاری خبرنگاران ، تعطیلی برخی از رسانه‌ها در سال جدید و عدم پرداخت حقوق و عیدی بسیاری از خبرنگاران**

سال 1404 برای روزنامه‌نگاری ایران، به نحو ترازیکی به پایان رسید؛ تعدیل نیروی گسترده، بسته‌شدن برخی روزنامه‌ها و پرداخت نکردن حقوق بسیاری از خبرنگاران، عیدی غم‌انگیز اصحاب رسانه شد. بیش از صد نیروی انسانی شامل روزنامه‌نگار و نیروی کادر اداری از یکی از بزرگترین رسانه‌های خصوصی کشور تعدیل شدند. از سوی دیگر، پیام ما، یکی از روزنامه‌های کشور تا اطلاع ثانوی به کار خود پایان داد تا ده‌ها روزنامه‌نگار عملاً بیکار شوند. در این میان روزنامه «هم‌میهن» که پیش‌تر و در پی برخورد قضائی بسته شده بود، آخرین روزهای اسفند، خبر منتشر نشدن را به خبرنگارانش داد. در کنار همه اینها چندین روزنامه‌نگار از رسانه‌های مختلف از دریافت نکردن حقوق و عیدی اسفندماه خود خبر داده‌اند. اگرچه معاونت مطبوعاتی کشور حرف از حمایت می‌زند، اما به نظر می‌رسد ضربه‌ای که به مطبوعات کشور وارد شده است، به این سادگی‌ها جبران‌شدنی نباشد.

شوک تعدیل نیرو از دو رسانه به طور هم‌زمان

«فاطمه باباخانی» سال‌هاست در رسانه‌های مختلف کشور قلم می‌زند. محیط زیست حوزه تخصصی اوست و در تمام این سال‌ها دغدغه جدی خود در حوزه طبیعت این کشور را لابه‌لای گزارش‌هایش درج کرده است. حالا او یکی از روزنامه‌نگارانی است که شغلش را از دست داده است. اولین ضربه را زمانی خورد که فهمید روزنامه «پیام ما» تا اطلاع ثانوی منتشر نخواهد شد: «طبق آنچه مدیران رسانه به ما اعلام کردند، روزنامه با تغییراتی برای سال آینده روبرو شده است. البته توضیح دادند که می‌توانیم فعلاً به شکل حق‌التحریر به کار ادامه دهیم و محتوا هم در سایت روزنامه منتشر می‌شود. اما خب، روشن است که با حقوق روزنامه‌نگاری حق‌التحریری نمی‌توان زندگی را جلو برد. آن‌هم در شرایط اقتصادی فعلی جامعه.»

باباخانی تا پیش از امسال در دو رسانه به طور هم‌زمان کار می‌کرد و از بداقبالی، هر دوی این رسانه‌ها دست به تعدیل نیرو زدند. رسانه دومی که این روزنامه‌نگار با آن کار می‌کرد و بیمه شغلی‌اش هم از همان‌جا رد می‌شد، «دنیای اقتصاد» بود: «آخرهای سال بود که دبیر سرویس، خبر تعدیل نیرو را داد. بعد هم از مدیریت منابع انسانی تماس گرفتند و گفتند که چنین تصمیمی گرفته شده

است و نامه‌اش هم ارسال شد. خوشبختانه من این شانس را دارم که در همکاری با رسانه دیگری بیمه‌ام رد شود و مجبور نشوم سراغ بیمه بیکاری بروم». او توضیح می‌دهد خودش و سایر نیروهای مجموعه هیچ انتظار نداشتند که تنها چند روز مانده به عید نوروز با چنین برخوردی مواجه شوند: «واقعا فکرش را هم نمی‌کردیم که به جای عیدی، ما را از کار بیکار کنند. تازه وقتی روزنامه بسته شد، با خودم گفته بودم که خوشبختانه من دو جا کار می‌کنم و حداقل یک کار دیگر دارم. اما ناگهان خبر تعدیل «دنیای اقتصاد» هم رسید که به‌شدت تکان‌دهنده بود».

این روزنامه‌نگار می‌گوید فارغ از مسائل مالی، این شکل قطع همکاری با نیروی کار، تأثیرات بلندمدتی بر روان و زیست نیروی انسانی می‌گذارد: «یک وجه این موضوع مرتبط با مسائل مالی و حوزه اقتصادی است؛ که البته ساده و کم‌رنگ هم نیست. در شرایط فعلی که همه چیز با تورم در خورتوجهی گران‌تر شده است، موضوع اقتصادی ماجرای معمولی در زندگی مردم به حساب نمی‌آید، باوجوداین، در مسئله تعدیل نیروها، فقط بُعد اقتصادی نیست که به افراد فشار می‌آورد. این حس که یکبارہ شما را به‌عنوان نیروی انسانی متخصص کنار می‌گذارند، به شکل دیگری روان و زیست نیروی انسانی را به خطر می‌اندازد و همه زندگی افراد را دچار اختلال می‌کند. یک زمانی بود که تعدیل نیرو برای رسانه‌ها تبعات در خورتوجهی به همراه داشت. اما حالا این رفتارها و برخوردها گویا کاملاً عادی شده است».

بیکاری در آستانه عید

«مژگان میرزایی»، خبرنگار باسابقه حوزه اقتصادی است که زمستان سال گذشته خودش از همکاری با روزنامه دنیای اقتصاد کناره‌گیری کرد. او حالا از وضعیت این رسانه می‌گوید: «می‌دانستیم که برنامه‌هایی برای تعدیل نیرو وجود دارد. ماه‌ها بود که شایعه‌اش در مجموعه پیچیده بود. اما کسی تصورش را هم نمی‌کرد که مدیران مجموعه در آستانه نوروز چنین تصمیمی بگیرند. همه فکر می‌کردند اگر چنین قصدی هم وجود داشته باشد، بعد از سیزده به‌در انجام خواهد شد. برای همین هم موجی از تعجب و البته رنجیدگی را به همراه خود داشت». او البته تأیید می‌کند که شرایط اداره روزنامه برای خود مدیران نیز دشوار شده است: «البته ما روزنامه‌نگاران هم می‌دانیم شرایط اقتصادی برای مدیران رسانه مساعد نیست. نقدینگی کم شده بود. درآمد آگهی‌ها هم در ماه‌های اخیر کم شده بود. همین هم روی کل درآمدهای روزنامه اثر گذاشت. در نتیجه، گویا راحت‌ترین کار این بود که نیروی انسانی تعدیل شود».

او با اشاره به تعداد نیروهایی که در مجموعه دنیای اقتصاد کارشان را از دست داده‌اند، توضیح می‌دهد: «عدد دقیقی که نداریم اما طبق آنچه دیدیم و شنیدیم، حدود 70 درصد از نیروها بیکار شده‌اند. نزدیک به 50 نفر از روزنامه‌نگاران خود روزنامه تعدیل شدند. ده‌ها نفر از بخش اداری. همچنین چند نفری هم از بخش «اکو». از سوی دیگر، خود روزنامه که پیش‌تر در 32 صفحه منتشر می‌شد، با کاهش یک‌دومی، به 16 صفحه رسید که همین هم اتفاق ناخوشایندی برای مطبوعات کشور است.»

به گفته میرزایی این تصمیم می‌تواند باعث الگوگیری سایر رسانه‌ها نیز شود: «دنیای اقتصاد به عبارتی بزرگترین رسانه خصوصی کشور محسوب می‌شود. رسانه بزرگی که نیروهای بسیار زیادی را جذب کرده بود و خبرنگاران متعددی در تمام این سال‌ها آنجا به کار مشغول شده بودند. این

تصمیم با چنین ابعاد بزرگی از سوی این روزنامه می‌تواند سبب شود دیگر رسانه‌ها نیز به سراغ همین گزینه برای کاهش هزینه‌های خود بروند. معلوم است که در این شرایط اقتصادی، مدیر رسانه هم با خودش فکر می‌کند وقتی می‌تواند یک صفحه روزنامه را تنها با یک نفر دریاورد، چرا باید خود را مسئول حقوق و بیمه چندین نفر کند؟»

این روزنامه‌نگار با اشاره به فقدان حمایت از سوی نهادهای مرتبط، به حرف‌های خود پایان می‌دهد: «سال‌هاست که روزنامه‌نگاران در شرایط سختی امرار معاش می‌کنند. روزنامه‌ها یکی‌یکی بسته شدند. حقوق‌های‌شان کم و کمتر شد. به‌مرور مدیران رسانه از بیمه‌کردن آنها سر باز زدند و اگر جایی مثل صندوق هنر نبود که یک محل بیمه‌ای برای اهالی مطبوعات شود، خیلی از روزنامه‌نگاران مجبور می‌شدند بدون بیمه کار کنند. همین الان هم بیشتر آنها با پایه بیمه ثبت می‌شوند و از کیفیت بیمه خوبی برخوردار نیستند. نهادهای صنفی هم در سال‌های اخیر به‌وفور افت کردند و انجمن فعلی هم حقیقتاً کار خاصی برای تقویت کیفیت زیست خبرنگاران از دستش بر نمی‌آید. وزارت ارشاد هم بیشتر تعاملش با مدیران رسانه است و نه خبرنگار. همین هم می‌شود که خبرنگاران کشور عملاً بدون هیچ نهاد حمایت‌کننده‌ای باید به یکی از دشوارترین شغل‌های دنیا ادامه دهند.»

اما آسیب وارده به رسانه‌ها تنها به تعدیل نیرو محدود نماند. برخی رسانه‌ها نیز از پرداخت حقوق اسفندماه نیروهای خود سر باز زدند. شنیده‌ها حاکی از آن است که در چندین خبرگزاری و روزنامه این اتفاق افتاده و حقوق اسفند و حتی عیدی کارکنان پرداخت نشده است. یکی از این روزنامه‌نگاران که نخواست نامش در گزارش بیاید، می‌گوید که تنها با یک جمله جوابش را داده‌اند: «پول نداریم!»

بخش‌هایی از یک گزارش رسانه ای شده بتاريخ 17 فروردین

***لیستی از زیرساخت‌ها و واحدهای صنعتی و تولیدی مورد حمله های هوایی یکشنبه شب (16 فروردین) و روز دوشنبه 17 فروردین آمریکا - اسرائیل قرار گرفته:**

تأسیسات جانبی صنایع پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس منجمله شرکت‌های مبین و دماوند که برق، آب و اکسیژن پتروشیمی‌های عسلویه را تامین می‌کردند و پتروشیمی جم

پتروشیمی شیراز

مجتمع پتروشیمی مرودشت

مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات یا مرکز محاسبات دانشگاه صنعتی شریف

فرودگاه های مهرآباد تهران، ارومیه، خوی، کاشان و کنارک

آزادراه خرم‌آباد - بروجرد

شرکت کشتی‌سازی اروندان خرمشهر

کشتی سازی موسوی خرمشهر

منطقه آزاد واسکله کلانتری چابهار

اسکله پسابندر شهرستان دشتیاری

کارگاه‌های صنعتی در منطقه سعیدآباد جاجرود

یک واحد صنعتی در شهر صنعتی البرز

یک دامداری در بوبین زهرا

***بیدار زنی: کوتاه با کسانی که هلهله‌ی جنگ ندارند**

یکشنبه 16 فروردین

در سی و هفتمین روز از جنگ قرار داریم. ۳۷ روز بمباران و نابودی خانه‌های غیرنظامیان، پالایشگاه‌ها، انبارهای نفت، مدارس و... حالا هم ضرب‌العجل نابودی زیرساخت‌های انرژی.

برای آن دسته از مردم ایران که زیر فشار شدید فقر و تورم، هنوز در بهت و فروپاشی روانی ناشی از کشتار معترضان در اعتراضات دی ماه بودند، این بار پس از سرکوب خونین داخلی توسط تمامی نیروهای امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی، کورسوی حیات‌شان نیز با موشک‌ها و بمب‌های آمریکا و اسراییل نابود شد. (هرچند ترور علی خامنه‌ای دیکتاتور ایران و حملات پهبادی به یگان ویژه سپاه که نقش اصلی در کشتار معترضان را داشتند، لبخند رضایت بر لب بسیاری از مردم نشانند)

نفرت به جا و برحق بسیاری از گروه‌های مردم از پنج دهه جنایت و سرکوب حاکمیت، همچنین کوبیدن شادمانه بر طبل «آری به جنگ» از سوی اپوزیسیون منحنی‌راست خارج از کشور، کار را به جایی رساند که در پس هر بمب و ویرانی، این پیام را برسانند: «آزادی نزدیک است» و «اگر مخالف جنگ هستی، پس قطعا طرفدار این نظامی.»!

نه. اینجا هنوز جمعیتی هرچند نه بی‌شمار، نفس می‌کشند که بیزار از استبداد و جنگ و ویرانی‌اند. اینجا هنوز انسان‌هایی زندگی می‌کنند که با هر کشته‌ی دی‌ماه و بی‌شمار جان‌باخته‌ی این سالیان، خون گریه کردند و سالهاست در خیابان، علیه یکی از مستبدترین ایدئولوژی‌های حاکم در زمانه، با دستان خالی جنگیدند. جان سپردند. به زندان افتادند. آزاد شدند. از تعداد اعدام‌ها کمر خم کردند. با هر خانه و کسب و کار ویران شده در جنگ، زار زدند و دقیقه‌ای، فراموش نکردند که «ارتجاع، به هر شکلی محکوم است.»

اینجا هنوز زنان آگاه زنده‌اند. باور کنید می‌شود علیه تمامی نکبت‌ها و گلوله‌ها و دولت‌های استبدادی ایستاد و سرسپرده نشد.

اینجا هنوز معلمان زنده‌اند. آنها در کلاس‌های درس‌شان «باور به زندگی» را مشق کردند. آنها صدای کودکان کشته شده به وقت کشتار داخلی و حمله خارجی‌اند. به نیمکت‌های خالی و نام دانش‌آموزانی که فریاد می‌زنند، گوش داده‌اید؟ معلمانی که به وقت بمباران نیز به خانه‌هایشان حمله می‌کنند و یا راهی زندان می‌شوند.

اینجا هنوز فعالان محیط‌زیست زنده‌اند. آنها علیه ویرانی زیست‌بوم‌ها به وقت حکمرانی جمهوری اسلامی و تبعات شیمیایی حاصل از جنگ، می‌جنگند.

اینجا کارگران، بازنشستگان، نویسندگان، فعالان حقوق زنان و جان‌های عزیز زندانی در زندان‌ها زنده‌اند. فعالان سیاسی محبوس در زندان‌ها علیه اجرایی‌سازی جنون‌وار احکام اعدام، اعتصاب غذا می‌کنند. مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند، به سلول انفرادی منتقل می‌شوند، راه‌های ارتباطی‌شان مسدودتر می‌شود اما زنده‌اند.

دقیقه‌ای فراموش نکنیم که ساختارهای متکی بر تمامیت‌خواهی، بت‌سازی و خودی/غیرخودی کردن افراد جامعه، آن هم از شاخص پیروی کردن از ولایت مطلقه‌ی شیعی یا سلطنتی، مخالفان جنگ را چگونه نام‌گذاری میکنند. دسته‌ی اول ذیل معاند و مخالف نظام، اعدام می‌کند و دسته‌ی دوم، مخالفین جنگ را عامل همان نظام می‌نامند!

خوب می‌دانیم که در میانه‌ی این جنگ و ویرانی، در پس میراث جمهوری اسلامی که جز سرکوب و انسداد و محبوس کردن هر صدای مخالف نیست، صحبت از اتحاد و تحقق آزادی و برابری تا چه حد دور از ذهن است. شدت ویرانی و افول شاخص‌های حیات فردی و جمعی، وضعیت را به زنده ماندن برای بقا بدل کرده است. اما برای برخاستن از این وضعیت - حتی بسیار دور - باز هم نقطه‌ی عزیمت، باور به همین جمعیت‌های پراکنده است. برای چگونه زنده ماندن، چگونه سرپا ماندن و همچنان باور به آگاهی طبقاتی، مسیری دشوارتر از قبل پیش روی ماست. «ما»یی جنگ‌زده، با چشم‌اندازی از ویرانی، اما هنوز زنده.

***گزارش یونیسف: نگرانی از مشارکت کودکان در کارزارهای بسیج در ایران**

«یونیسف گزارش‌هایی دریافت کرده است مبنی بر اجرای کارزارهای بسیج در ایران که شامل کودکان نیز می‌شود، و همچنین حضور کودکان در ایست‌های بازرسی.

ما از جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم هرگونه جذب و به‌کارگیری کودکان را فوراً متوقف کند.

جذب و استفاده از کودکان توسط نیروها یا گروه‌های مسلح، نقضی فاحش و جدی حقوق کودک محسوب می‌شود.»

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

***علی فهیم را هم اعدام کردند**

روز دوشنبه 17 فروردین، میزان خبرگزاری قوه قضاییه از اعدام علی فهیم از بازداشتی‌های اعتراضات سراسری دی ماه 1404، خبر داد.

akhbarkargari2468@gmail.com